

بررسی شرایط آنومیک و مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان^۱

مجتبی عباسی قادی^۲، شاه عصمت‌الله اف شاه‌نظر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱

چکیده

متن حاضر درصدد بررسی شرایط آنومیک و مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان بوده است. از این منظر، پس از بسط فضای مفهومی موضوع، از رویکردهای نظری آنومی اجتماعی امیل دورکیم، تئوری بی‌سازمانی اجتماعی رابرت مرتن و تئوری احساس از خودبیگانگی ملوین سیمن برای تبیین موضوع استفاده شده است. با کاربرد روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۷۶۸ نفر از جوانان ۲۰-۲۹ ساله که از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از دو شهر تهران و دوشنبه انتخاب شده بودند، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. برای به دست آوردن اعتبار شاخص‌ها از اعتبار محتوایی صوری، برای به دست آوردن روایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر اینکه بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری مشاهده شده است، متغیرهای احساس نابهنجاری اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی و احساس از خودبیگانگی رابطه معناداری را با مشارکت اجتماعی جوانان نشان دادند و در مجموع ۶۹ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی جوانان را در دو جامعه ایران و تاجیکستان تبیین کردند.

کلیدواژگان

احساس از خودبیگانگی، احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی، احساس نابهنجاری اجتماعی، مشارکت اجتماعی..

۱. این مقاله برگرفته از رسالهٔ پژوهشی دکتری جامعه‌شناسی با عنوان «بررسی و مقایسهٔ مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن» است.
۲. دکتری جامعه‌شناسی، استاد گروه فلسفهٔ اجتماعی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان /دوشنبه.
۳. نویسنده مسئول، دکتری جامعه‌شناسی از گروه فلسفهٔ اجتماعی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان /دوشنبه.
mojtabaabbasighadi@yahoo.com

مقدمه

امروزه فرایند توسعه و به خصوص توسعه پایدار مهم‌ترین دغدغه و نگرانی مسئولان بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌شود. این امر خود مستلزم به‌کارگیری استعدادها و توانمندی‌های انسانی از یک سو و مشارکت^۱ فعالانه و مستمر افراد جامعه در مراحل مختلف توسعه از سوی دیگر است. از این منظر واژه مشارکت با طرح مقوله توسعه از دهه ۱۹۴۰ و با ضرورت رشد مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی مطرح و از اواخر دهه ۱۹۵۰ به‌منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی دنبال و بالاخره با شکل‌گیری واژه توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ مفهومی وسیعی به خود گرفت، به طوری که در توسعه از نوع اخیر (توسعه پایدار)، مشارکت را وسیله توسعه به شمار آورده است؛ به گونه‌ای که از آن به‌منزله حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می‌کنند (کائوتری، ۱۳۷۹). بنابراین، امروزه کمتر برنامه‌ریزی محلی، ملی و بین‌المللی‌ای وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد؛ اما به مشارکت مردم به‌منزله راهکار عملی و مؤثر در مکانیزم توسعه کمتر پرداخته شده است؛ درحالی که توسعه پایدار بدون مشارکت مردمی امکان‌پذیر نیست (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۰۴). بی‌شک مشارکت عمومی و فراگیر به‌منزله یکی از حقوق اساسی دموکراتیک برای افراد یک جامعه تلقی می‌شود. همان‌گونه که میردال^۲ اشاره می‌کند در مشارکت عمومی^۳ به مردم این فرصت داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهم و شریک شوند (ازکیا و محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱). اوکلی و مارسدن نیز بر این باورند که «مشارکت وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت‌جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در امر توسعه و بهره‌مندشدن از ثمرات آن تلقی می‌شود (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۲). مارکوس و والتون^۴ اهمیت و نقش اساسی مشارکت در زندگی اجتماعی را در سه سطح ایجاد شهروند برجسته، جامعه بهتر و نیز شیوه حکومتگری مطلوب برشمردند. از این منظر می‌توان به ارتباط تنگاتنگ مشارکت و مردم‌سالاری پی برد؛ از یک طرف، مشارکت می‌تواند در بستر نظام‌ها و جامعه دموکراتیک تحقق یابد و از سوی دیگر، مشارکت به ایجاد یک جامعه مردم‌سالار کمک خواهد

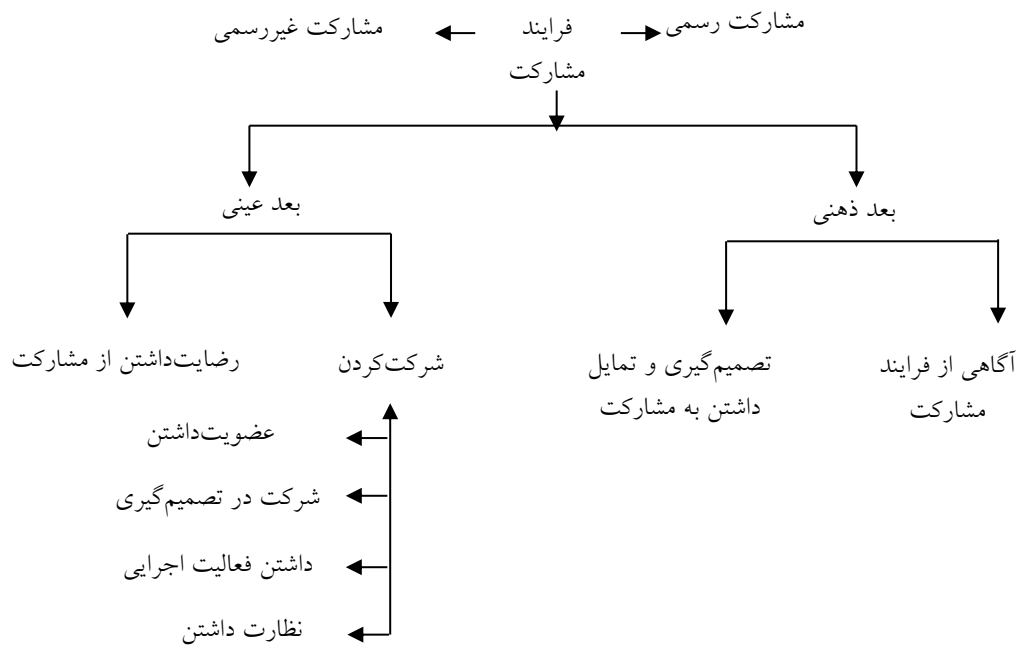
-
1. Participation
 2. Mirdal
 3. Population Participation
 4. Marcos & Walton

کرد. زیرا از طریق ایجاد شهروندان مشارکت‌جو و فعال و گسترش همکاری‌های میان افراد و همچنین شیوه‌های مطلوب حکومتمگری به گسترش مردم‌سالاری یاری خواهد کرد. البته باید گفت که مشارکت آگاهانه، مستمر و پایدار که در یک جامعه نهادینه شده باشد؛ می‌تواند هدف‌های فوق را تأمین کند (مارکوس و والتون، ۲۰۰۲: ۵-۶ به نقل از ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳). به‌طورکلی، از مفهوم مشارکت با توجه به حوزه‌ها و قلمروهای مختلفی که بر آن مترتب است؛ تعاریف مختلفی به عمل آمده است. این مفهوم جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد که با توجه به ویژگی‌های هر جامعه، جلوه‌های خاصی به خود می‌گیرد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۱؛ حامدمقدم، ۱۳۷۰: ۲۸۸). در این میان، مشارکت اجتماعی^۱ بر انواع کنش‌های فردی و گروهی در جهت تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی اطلاق می‌شود (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴؛ غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). از طرف دیگر، شناخت مشارکت اجتماعی در جوامع ایران و تاجیکستان اگرچه از سوی صاحب‌نظران و به‌خصوص اندیشمندان توسعه اجتماعی دور نمانده است به دلایل و عوامل گوناگون که می‌توان آن‌ها را در دو سطح ساختاری و کنشگران انسانی طبقه‌بندی کرد؛ مشارکت اجتماعی رشد و تداوم پیدا نکرده است. متن حاضر درصدد بررسی سه متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی، احساس از خودبیگانگی و بیگانگی اجتماعی-سیاسی در رابطه با مشارکت اجتماعی جوانان دو جامعه ایران و تاجیکستان است که در شرایط آنومیکی جامعه بروز پیدا می‌کند.

مفهوم مشارکت اجتماعی و ابعاد آن

«مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرنهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است» (مارکوس و والتون، ۲۰۰۲: ۵، به نقل از ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳). در تعریفی دیگر آمده است: «مشارکت در حوزه اجتماعی متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا جمعی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطوح پایین تا سطوح بالاتر است» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). بنابراین، می‌توان گفت: «مشارکت اجتماعی سطوح فعالیت از عضویت ساده در انجمن‌ها (محلی، خیریه، شغلی) و فعالیت در این

سازمان‌ها تا فعالیت‌هایی از قبیل ملاقات با مقامات عالی مملکتی (نمایندگان مجلس، وزرا و...) یا نگارش نامه و گزارش به آن‌ها به منظور طرح مشکلات و درخواست اصلاح و تغییر سیاست‌ها را دربرمی‌گیرد.» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). اکسلرد بر ویژگی داوطلبانه، انتخابی و غیرانتفاعی بودن این فرایند تأکید دارد که بر مبنای این ویژگی‌ها مشارکت اجتماعی در شکل نهادی‌اش از نهادهایی چون مجامع دولتی، نهاد خانواده و مؤسسات انتفاعی مجزا می‌شود (اکسلرد، ۱۹۵۰: ۱۴، به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۶). بنابراین، همکاری مردم در انواع گروه برنامه‌های اجتماعی خاصه انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی دال بر مشارکت اجتماعی قلمداد می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). اشکال مشارکت اجتماعی را می‌توان به دو صورت مطالعه کرد: الف) مشارکت رسمی (نهادی) که دربرگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است و ب) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده دو نوع مشارکت اتفاقی و پایدار است؛ مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم است؛ مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومان و افراد خاص تشکیل می‌شود. مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی که به صورت مؤسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند. ضمناً با توجه هدف نیز دو نوع مشارکت را می‌توان نام برد: ۱. مشارکت ابزاری که شامل فعالیت‌هایی است که خارج از گروه مشارکت‌کننده هدایت می‌شود. ۲. مشارکت هدفمند که مشارکت اجتماعی به صورت خودکفا، هدفمند و تحت نظارت خود اعضاست (helly, 2001: 2-4 به نقل از یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۷). به‌طور کلی، در بررسی مفهوم مشارکت (در اینجا مشارکت اجتماعی) در انجام عملی، چهار شاخص و عنصر به شرح ذیل ضروری است: ۱. آگاهی: مطلع بودن فرد از وظایف و حدود و اختیارات خود در فرایند مشارکت؛ ۲. تصمیم‌گیری: مؤثر بودن فرد در به‌کارگیری تصمیم در سازمان‌های مشارکتی؛ ۳. همکاری و شرکت‌داشتن: حضور یا همکاری در امور مربوط به سازمان‌های مشارکتی؛ ۴. رضایت‌داشتن: احساس خوشایندی فرد از حسن انجام امور (امیرانی، ۱۳۸۰). به بیان دیگر می‌توان این چهار شاخص را در دو بعد ذهنی (آمادگی روانی) و عینی (عمل مشارکتی) قلمداد کرد و چنین گفت که شاخص آگاهی‌داشتن و تصمیم‌گیری ابعاد ذهنی مفهوم مشارکت را تشکیل می‌دهند و شاخص‌های همکاری و شرکت‌کردن و رضایت‌داشتن ابعاد عینی مفهوم مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۹). شکل ۱ ابعاد و شاخص‌های مشارکت اجتماعی در پژوهش حاضر نشان می‌دهد:



شکل ۱. ابعاد و شاخص‌های مشارکت اجتماعی جوانان در پژوهش حاضر

چارچوب نظری

امیل دورکیم^۱ نخستین اندیشمندی است که با مفهوم « آنومی »^۲ به تبیین انواع صور نابهنجاری اجتماعی پرداخته است. او در سال ۱۸۷۹ واژه « آنومی » را وارد فرهنگ جامعه‌شناسی کرده است. البته بعد از او کسانی دیگر نیز از جمله رابرت مرتن^۳ از این واژه برای تبیین مسائل اجتماعی استفاده کردند. آنومی در تعریف دورکیم اشاره به نوعی بی‌قاعدگی، اختلال و گسستگی در نظام اجتماعی دارد (کیویتسو، ۱۳۸۳؛ آرون، ۱۳۷۷ و کرایب، ۱۳۸۲). دورکیم بی‌هنجاری را به مفهوم فقدان اجماع درباره اهداف اجتماعی و انتظارات جمعی و آنچه جامعه به‌منزله قواعد و الگوهای عمل برای اعضای خود متصور شده است، به کار می‌برد. دورکیم

1. Emile Durkheim
2. Anomie
3. Rabet Merton

عقیده دارد که حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این هنجارها و ضوابط است که فرد می‌تواند تمایلات، خواهش‌ها و خواسته‌های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی شوند، فرد دیگر قادر نیست رابطه منطقی بین خود و جامعه برقرار کند و در پیروی از قوانین، هدف‌ها و رفتارهای خود را تنظیم کند. در چنین شرایطی است که فرد دیگر ضوابطی برای رفتار خود ندارد و در حالت بی‌هنجاری و نابسامانی به سر می‌برد. این نابسامانی در رفتار و کنش او متجلی و منعکس است و احتمال اینکه فرد در چنین شرایطی دست به رفتاری بزند که از نظر اجتماعی هنجارشکنی و انحراف شناخته شود، زیاد است. دورکیم آنومی را در دو سطح فردی و اجتماعی به کار برده است: ۱. آنومی در سطح فردی؛ نوعی نابسامانی فردی است که منجر به گسستگی و شکستگی انسان و معیار رفتار وی می‌شود. نمونه بارز چنین رفتاری را می‌توان در احساس از خود بیگانگی افراد ملاحظه کرد. ۲. آنومی در سطح اجتماعی؛ آنومی در این سطح بیانگر نوعی اختلال در نظام اجتماعی است که در آن احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود نداشته باشد، فرد فاقد وسیله لازم برای تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای مقرر اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۸ و ۱۳۸۳)؛ حد اعتدال چنین رفتاری ممکن است به صورت احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی و انواع کژرفتاری و حد نهایی آن ممکن است به صورت خودکشی بروز کند، نمونه آن را می‌توان در خودکشی آنومیک ملاحظه کرد. به طور کلی، دورکیم مضمون بیگانگی را در بی‌معنایی و بی‌هنجاری ناشی از شرایط آنومیک می‌داند که به دلیل انتقال جامعه از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی^۳ ایجاد شده است که نتیجه آن جدایی فرد از نظام اجتماعی است (آرون، ۱۳۷۷: ۳۶۱). به نظر دورکیم انسجام ارگانیکی ضعف درونی و ذاتی عمده‌ای دارد که همان تزلزل و بی‌ثباتی آن است. او معتقد است انتقال جامعه از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی سبب می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تدریجاً ناپدید شود و در عوض منافع منفرد، متنوع و تفکیک‌شده فردی همراه با احساس پریشانی و احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی متظاهر شود و زمینه بروز مشکلات فردی و اجتماعی از جمله کاهش مشارکت اجتماعی افراد در سطح یک جامعه

-
1. Individual Anomie
 2. Social Anomie
 3. Mechanic Solidarity

فراهم آید. رابرت مرتن^۱ نیز همچون دورکیم سعی کرد با استفاده از مفهوم «آنومی» به تحلیل چگونگی گسستگی و عدم ارتباط بین فرد و ساخت اجتماعی بپردازد (کرایب، ۱۳۸۲؛ توسلی، ۱۳۷۴ و کیویتسو ۱۳۸۳). به عقیده مرتن همان گونه که رفتار تطابق‌گرایانه و سازگارانه از ساخت اجتماعی نشئت می‌گیرد؛ رفتار ناسازگارانه و منحرف نیز محصولی از ساخت اجتماعی است. به بیان دقیق‌تر مرتن آنومی را یک متغیر وابسته می‌داند که از سوی ساختارهای جامعه خصوصاً ساختار فرهنگی ایجاد می‌شود. در واقع مرتن فرهنگ را در هر نظام اجتماعی مهم‌ترین ساختار اجتماعی در نظر می‌گیرد و آن را علت رفتارهای آدمی تلقی می‌کند. مرتن فرهنگ هر جامعه را متشکل از سه جزء می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. اهداف فرهنگی؛ ۲. وسایل و ابزار فرهنگی؛ ۳. قواعد و هنجارها که حاکم بر انتخاب اهداف و وسایل حصول به آن اهداف هستند. از دید مرتن اهداف فرهنگی، مجموعه انتظارات گروه یا جامعه از اعضاست. همچنین از دید مرتن هر فرهنگی ابزار و وسایل و مسیرهایی را تعریف و تعیین می‌کند و در اختیار اعضا قرار می‌دهد تا به واسطه آن خود را به اهداف فرهنگی برسانند. قواعد و هنجارها نیز ناظر و حاکم بر انتخاب اهداف فرهنگی و وسایل فرهنگی‌اند (ریتزر، ۱۳۸۴ و توسلی، ۱۳۷۴). بعد از آن مرتن استدلال می‌کند که اگر افراد جامعه به این اهداف و وسایل حصول به آن گردن نهند، مشکلی پیش نخواهد آمد. ولی اگر افراد خلاف آن رفتار کنند، به‌گونه‌ای که میان اهداف فرهنگی، وسایل فرهنگی و روابط میان آن‌ها ناهمسازی به وجود آید؛ شرایطی به وجود می‌آید که آنومی نامیده می‌شود. بنابراین، از دید مرتن آنومی یا بی‌هنجاری معلول روابط و مناسبات میان سه جزء اهداف فرهنگی، وسایل فرهنگی و قواعد است، البته مجموعاً نه به‌طور جداگانه یعنی شرایط آنومیک به‌تنهایی از هیچ یک از این عوامل (هدف، وسیله و قواعد) برنمی‌خیزد بلکه از روابط خاص میان آن‌ها پدید می‌آید. مرتن بر پایه واکنش‌های گوناگون افراد به اهداف و وسایل فرهنگی پنج نوع آرمانی به وجود آورد که جزء نوع اول که هم‌نواگرا نامیده می‌شود، چهار نوع دیگر نابهنجار محسوب می‌شوند. جدول ۱ این پنج نوع آرمانی را نشان می‌دهد:

جدول ۱. حالت‌های مختلف تطابق با توجه به اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده

1. Robert Merton
2. Cultural Goals
3. Cultural Means

حالت‌های تطابق و انتخاب	اهداف فرهنگی	وسایل فرهنگی تأییدشده اجتماعی
سازگاری، همنوایی، تطابق	می پذیرند (+)	می پذیرند (+)
بدعت و نوآوری	می پذیرد (+)	نمی پذیرند (-)
سنت‌گرایی، شعائرگرایی	نمی پذیرند (-)	می پذیرند (+)
عقب‌نشینی، انزواگرایی	نمی پذیرند (-)	نمی پذیرند (-)
طغیان و شورش	نمی پذیرد، جثین می‌شوند (+)	نمی پذیرد، جثین می‌شوند (-)

*منبع کیویتسو، ۱۳۸۳: ۱۵، کرایب، ۱۳۸۲ و توسلی، ۱۳۷۴

بنابراین، براساس نظریه مرتن در صورتی که افراد جامعه در گروه اول یعنی سازگاری، همنوایی، تطابق باشند؛ دارای مشارکت اجتماعی بالا و در صورتی که جزء چهار گروه دیگر باشند؛ احساس نابهنجاری اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی پایین در جامعه را دارند.

ملوین سیمن^۱ بیشتر متوجه از خودبیگانگی بود. از خودبیگانگی تجربه‌ای درونی است که با گسستن فرد از خویشتن همراه است، بیگانگی فرد با خویشتن بدان جهت است که برحسب مقتضیاتی ناچار به قبول نقش می‌شود و حتی بدون آنکه دقیقاً بدان اعتقاد داشته باشد به اعمال آن می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۱). سیمن یادآور می‌شود که ساختار دیوان‌سالاری جدید، شرایطی را به وجود آورده است که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. شیوه کنترل و مدیریت جامعه بر نظام پاداش اجتماعی به‌گونه‌ای است که فرد ارتباطی بین رفتار خود و پاداش جامعه نمی‌تواند برقرار کند؛ در چنین وضعیتی است که احساس از خودبیگانگی بر فرد غلبه می‌کند و او را به کنشی ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد. بنابراین، سیمن طبقه‌بندی معروفی را در مقاله‌ای^۲ بیان کرد و در آن پنج شاخص را در بیگانه‌کردن انسان از خویشتن برشمرد که هر یک به‌تنهایی یا

1. Melvin Seeman

2. On The Meaning Of Alienation, American Sociological Review , 1959.

در ارتباط با شاخص‌های دیگر در از خود بیگانگی انسان‌ها مؤثرند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۳). پنج شاخصی را که ملوین سیمن در از خود بیگانگی انسان‌ها مؤثر می‌داند، عبارت‌اند از:

۱. احساس بی‌قدرتی^۱: احساس بی‌قدرتی عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۰۹).
۲. احساس بی‌معنایی^۲: در این حالت فرد احساس می‌کند. هیچ راهنمایی برای انتخاب سلوک و عقیده خود ندارد. بنابراین، دچار ابهام و شک و تردید می‌شود و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری، عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی-اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد.
۳. احساس بی‌هنجاری^۳: بی‌هنجاری دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم می‌بخشد، در هم شکسته شده یا تأثیر خود را به‌منزله قاعده از دست داده است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۱۲). ۴. احساس انزوای اجتماعی^۴: این حالت اشاره به جدایی فرد از جامعه‌اش اطلاق می‌شود (Johnson, 1975). به بیان دیگر به حالتی گفته می‌شود که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۴۵). ۵. احساس از خود بی‌بازاری^۵: به حالتی گفته می‌شود که شخص نسبت به احساس واقعی، علاقه‌ها و باورهایش بیگانه می‌شود. در چنین وضعیتی شخص از خویشتن خویش جدا می‌شود، زیرا او از هیچ چیز به خاطر خود آن چیز لذت نمی‌برد (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۴۶). بنابراین، فردی که دچار این ویژگی‌ها یعنی احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی شده باشد؛ احساس از خود بی‌بازاری می‌کند و بنابراین، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی می‌کند و از انجام فعالیت‌های اجتماعی باز می‌ماند.

-
1. Powerlessness
 2. Meaninglessness
 3. Normlessness
 4. Social isolation
 5. Self - Estrangement

فرضیه‌های پژوهش

الف) فرضیه‌های کلی پژوهش

۱. بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین عوامل نابهنجاری مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

ب) فرضیه‌های جزئی پژوهش

۱. بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان و مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
۲. بین بیگانگی اجتماعی-سیاسی جوانان و مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
۳. بین احساس از خود بیگانگی جوانان و مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
۴. بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان و احساس از خود بیگانگی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
۵. بین بیگانگی اجتماعی-سیاسی جوانان و احساس از خود بیگانگی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.

روش پژوهش

الف) نوع روش پژوهش و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ نوع و ماهیت آن در زمره پژوهش‌های تبیینی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، جزء پژوهش‌های کمی از نوع مطالعات پیمایشی محسوب می‌شود. جدول ۲ پایایی (روایی) شاخص‌ها و گویه‌های متغیرهای پژوهش را بعد از حذف گویه‌هایی که از همبستگی پایینی نسبت به گویه‌های دیگر برخوردار بودند، نشان می‌دهد:

جدول ۲. پایایی (روایی) متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	ابعاد	شاخص	روایی
وابسته	مشارکت اجتماعی	بعد ذهنی	آلفای کل
		بعد عینی	آلفای ابعاد
		آگاهی	۰/۷۹
		رضایت داشتن	۰/۷۱
مستقل	بیگانگی اجتماعی-سیاسی	میل به بدبینی	۰/۷۴
		میل به بی‌اعتمادی	
		احساس انزوا و تنهایی	
بی‌هنجاری اجتماعی	احساس	حاکم شدن روابط بر ضوابط	۰/۷۳
		توسل به راه‌های نامشروع برای رسیدن به هدف	
		عدم رعایت قوانین	
بیگانگی	احساس از خود	احساس بی‌معنایی	۰/۷۱
		احساس بی‌قدرتی	
		احساس بی‌هنجاری	
		انزوای اجتماعی	
		از خود بی‌زاری	

ب) جامعه آماری

به‌طور کلی، جامعه آماری در این پژوهش دربرگیرنده کلیه جوانان ۲۰-۲۹ ساله‌ای است که در زمان پژوهش ساکن دو شهر تهران (ایران) و دوشنبه (تاجیکستان) بودند. براساس گزارش

مرکز آمار دو کشور، شهر تهران ۱/۹۰۶/۶۰۸ نفر جمعیت ۲۰-۲۹ ساله داشته است که از این تعداد، حدود ۹۶۹/۹۴۰ نفر مرد و حدود ۹۳۶/۶۸۸ نفر زن هستند. همچنین شهر دوشنبه ۱/۴۷۲/۱۰۰ نفر جمعیت ۲۰-۲۹ ساله داشته است که از این تعداد، حدود ۷۴۰/۸۰۰ نفر مرد و حدود ۷۳۱/۳۰۰ نفر زن هستند.

ج) تعیین حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جامعه آماری از قاعده نمونه‌گیری کوکران-شارپ که به قرار ذیل است استفاده می‌شود:

$$n = \frac{1/906/608(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{1/906/608(0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 384$$

همچنین از تعداد ۳۸۴ نفر واقع در حجم نمونه شهر تهران، ۱۹۵ نفر را مردان و ۱۸۹ نفر را زنان براساس قاعده نمونه‌گیری مندن هال^۱ و دیگران (۱۹۸۹) تشکیل می‌دهند.

$$n = \frac{1/472/100(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{1/472/100(0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 384$$

همچنین از تعداد ۳۸۴ نفر واقع در حجم نمونه شهر دوشنبه، ۱۹۳ نفر را مردان و ۱۹۱ نفر را زنان براساس قاعده نمونه‌گیری مندن هال و دیگران (۱۹۸۹) تشکیل می‌دهند.

د) روش نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش در هر دو جامعه آماری جزء گروه نمونه‌گیری احتمالی (احتمال برابر حضور کلیه افراد جامعه آماری در فرایند نمونه‌گیری) و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۲ است.

-
1. Mendenhall, L. A
 2. Multi -Stage Cluster sampling

یافته‌های پژوهش

الف) تحلیل توصیفی داده‌ها

متغیر وابسته پژوهش

جدول ۳ توزیع فراوانی متغیر وابسته پژوهش و ابعاد آن را براساس جامعه آماری کل ایران و تاجیکستان نشان می‌دهد:

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیر وابسته پژوهش و ابعاد آن براساس جامعه آماری کل ایران و تاجیکستان

مشاهدات معتبر	بالا	متوسط	پایین	طبقات	جامعه آماری
۷۶۸	۷۷	۵۳۴	۱۵۷	فراوانی	کل
۱۰۰٪	۱۰/۱	۶۹/۵	۲۰/۴	درصد معتبر	کل
۳۸۴	-	۲۸۸	۹۶	فراوانی	مشارکت اجتماعی ایران
۱۰۰٪	-	۷۵/۰	۲۵/۰	درصد معتبر	مشارکت اجتماعی ایران
۳۸۴	۷۷	۲۴۶	۶۱	فراوانی	تاجیکستان
۱۰۰٪	۲۰/۱	۶۴/۱	۱۵/۹	درصد معتبر	تاجیکستان

متغیرهای مستقل پژوهش

جدول ۴ توزیع فراوانی متغیرهای مستقل پژوهش و ابعاد آن‌ها را براساس جامعه آماری کل ایران و تاجیکستان نشان می‌دهد:

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای مستقل پژوهش براساس جامعه آماری کل ایران و تاجیکستان

مشاهدات معتبر	بالا	متوسط	پایین	طبقات	جامعه آماری	متغیر
۷۶۸	۲۳۵	۵۲۴	۹	فراوانی	کل	بیگانگی
۱۰۰/۰	۳۰/۶	۶۸/۲	۱/۲	درصد معتبر	اجتماعی - سیاسی	
۳۸۴	۸۹	۲۸۶	۹	فراوانی	ایران	
۱۰۰/۰	۲۳/۲	۷۴/۵	۲/۳	درصد معتبر		
۳۸۴	۱۴۶	۲۳۸	-	فراوانی	تاجیکستان	
۱۰۰/۰	۳۸/۰	۶۲/۰	-	درصد معتبر		
۷۶۸	۹۶	۶۴۷	۲۵	فراوانی	کل	احساس
۱۰۰/۰	۱۲/۵	۸۴/۲	۳/۳	درصد معتبر	نابهنجاری	
۳۸۴	۱۹	۳۴۰	۲۵	فراوانی	ایران	اجتماعی
۱۰۰/۰	۴/۹	۸۸/۵	۶/۵	درصد معتبر		
۳۸۴	۷۷	۳۰۷	-	فراوانی	تاجیکستان	
۱۰۰/۰	۲۰/۱	۷۹/۹	-	درصد معتبر		
۷۶۸	۶۷	۶۲۳	۷۸	فراوانی	کل	احساس
۱۰۰/۰	۸/۷	۸۱/۱	۱۰/۲	درصد معتبر	از خود بیگانگی	
۳۸۴	۷	۳۰۷	۷۰	فراوانی	ایران	
۱۰۰/۰	۱/۸	۷۹/۹	۱۸/۲	درصد معتبر		
۳۸۴	۶۰	۳۱۶	۸	فراوانی	تاجیکستان	
۱۰۰/۰	۱۵/۶	۸۲/۳	۲/۱	درصد معتبر		

ب) تحلیل استنباطی داده‌ها

تحلیل استنباطی داده‌ها در سه مرحله به شرح زیر انجام می‌گیرد:

تحلیل مقایسه‌ای و آزمون فرضیه‌های کلی پژوهش

در مرحله اول از تحلیل استنباطی داده‌ها با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای به دو فرضیه کلی پژوهش به شرح زیر پاسخ داده می‌شود:

فرضیه کلی یکم پژوهش: بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین‌های اختلافی متغیر وابسته پژوهش در دو جامعه آماری ایران و تاجیکستان

متغیر	جامعه آماری	فراوانی	میانگین‌ها	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار تفاوت‌ها	نسبت T	df	معناداری آزمون T
مشارکت اجتماعی	ایران	۳۸۴	۳۷/۴۶	۱/۱۰۱	۰/۱۷۴	۶/۳۵۱	۷۵۳	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۴۸/۵۶					
بعد آگاهی	ایران	۳۸۴	۱۵/۳۶	۱/۱۲۴	۰/۱۶۴	۵/۲۴۷	۷۶۶	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۶/۴۶					
بعد تصمیم‌گیری	ایران	۳۸۴	۱۰/۴۴	۲/۰۲۰	۰/۲۳۹	۸/۴۶۳	۵۶۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۲/۴۶					
بعد شرکت‌کردن	ایران	۳۸۴	۱۳/۹۸	۴/۵۶۲	۰/۳۱۰	۱۴/۶۹۸	۵۰۲	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۸/۵۴					
بعد رضایت‌داشتن	ایران	۳۸۴	۷/۰۷	۰/۲۱۳	۰/۱۶۳	۱/۳۰۲	۵۷۹	۰/۱۹۳
	تاجیکستان	۳۸۴	۷/۲۷					

همان‌گونه که جدول ۵ نیز نشان می‌دهد:

۱. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 6/351$) با درجه آزادی ($df = 753$) از مقدار بحرانی T جدول ($t = 2/326$) در سطح معناداری ($\alpha = 0/01$) بزرگ‌تر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۲. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 5/247$) با درجه آزادی ($df = 766$) از مقدار بحرانی T جدول ($t = 2/326$) در سطح معناداری ($\alpha = 0/01$) بزرگ‌تر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین بعد آگاهی مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۳. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 8/463$) با درجه آزادی ($df = 560$) از مقدار

بحرانی T جدول ($t=2/326$) در سطح معناداری ($\alpha=0/01$) بزرگتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین بعد تصمیم‌گیری مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۴. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t=14/698$) با درجه آزادی ($df=502$) از مقدار بحرانی T جدول ($t=2/326$) در سطح معناداری ($\alpha=0/01$) بزرگتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین بعد شرکت‌کردن مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۵. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t=1/302$) با درجه آزادی ($df=579$) از مقدار بحرانی T جدول ($t=1/645$) در سطح معناداری ($\alpha=0/05$) کوچکتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین بعد رضایت‌داشتن مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

بنابراین، با توجه به مندرجات جدول ۶ و مطالب فوق فرضیه کلی یکم پژوهش مبنی بر اینکه بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که در میان ابعاد چهارگانه مشارکت اجتماعی، بعد چهارم یعنی رضایت‌داشتن در هر دو جامعه تقریباً میزان یکسانی را نشان داده است.

فرضیه کلی دوم پژوهش: بین عوامل نابهنجاری مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین‌های اختلافی متغیرهای مستقل پژوهش در دو

جامعه آماری ایران و تاجیکستان

متغیر	جامعه آماری	فراوانی	میانگین ها	تفاوت میانگین ها	خطای معیار تفاوت‌ها	نسبت T	df	معناداری آزمون T
بیگانگی اجتماعی - سیاسی	ایران	۳۸۴	۲۷/۱۱	۱/۷۵۶	۰/۲۳۳	۷/۵۱۷	۷۶۶	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۲۸/۸۸					
احساس نابهنجاری اجتماعی	ایران	۳۸۴	۱۶/۲۱	۲/۴۳۲	۰/۲۰۵	۱۱/۸۳۵	۷۶۶	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۸/۶۵					
احساس از خود بیگانگی	ایران	۳۸۴	۲۵/۰۹	۳/۹۵۶	۰/۲۹۸	۱۳/۲۹۷	۷۵۴	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۲۹/۰۵					

همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد:

۱. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 11/835$) با درجه آزادی ($df = 766$) از مقدار بحرانی T جدول ($t = 2/326$) در سطح معناداری ($\alpha = 0/01$) بزرگتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین احساس نابهنجاری اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۲. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 7/517$) با درجه آزادی ($df = 766$) از مقدار بحرانی T جدول ($t = 2/326$) در سطح معناداری ($\alpha = 0/01$) بزرگتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین بیگانگی اجتماعی-سیاسی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

۳. با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده ($t = 13/297$) با درجه آزادی ($df = 754$) از مقدار بحرانی T جدول ($t = 2/326$) در سطح معناداری ($\alpha = 0/01$) بزرگتر است، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین احساس از خود بیگانگی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های جزئی پژوهش در گام اول

جدول ۷ توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل را در ارتباط با متغیر وابسته نشان می‌دهد:

جدول ۷. توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش

متغیر	جامعه آماری	ضرایب	مقدار ضرایب	سطح معناداری	تعداد مشاهدات معتبر
رابطه بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی با مشارکت اجتماعی جوانان	کل	Kendall's tau	V: -0/24	Sig: 0/000	768
		Somers d	V: -0/31	Sig: 0/000	
مشارکت اجتماعی جوانان	ایران	Kendall's tau	V: -0/11	Sig: 0/025	384
		Somers d	V: -0/16	Sig: 0/025	
مشارکت اجتماعی جوانان	تاجیکستان	Kendall's tau	V: -0/26	Sig: 0/000	384
		Somers d	V: -0/32	Sig: 0/000	

ادامه جدول ۷. توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش

رابطه بین بیگانگی	کل	Kendall's tau	V: -۰/۱۰	Sig: ۰/۰۰۶	۷۶۸
اجتماعی - سیاسی		Somers d	V: -۰/۱۰	Sig: ۰/۰۰۶	
با مشارکت	ایران	Kendall's tau	V: -۰/۱۱	Sig: ۰/۰۳۵	۳۸۴
اجتماعی جوانان		Somers d	V: -۰/۱۱	Sig: ۰/۰۳۵	
	تاجیکستان	Kendall's tau	V: -۰/۱۰	Sig: ۰/۰۲۶	۳۸۴
		Somers d	V: -۰/۱۲	Sig: ۰/۰۲۶	
رابطه بین احساس	کل	Kendall's tau	V: -۰/۲۸	Sig: ۰/۰۰۰	۷۶۸
از خود بیگانگی با		Somers d	V: -۰/۳۲	Sig: ۰/۰۰۰	
مشارکت اجتماعی	ایران	Kendall's tau	V: -۰/۱۶	Sig: ۰/۰۰۰	۳۸۴
جوانان		Somers d	V: -۰/۱۷	Sig: ۰/۰۰۰	
	تاجیکستان	Kendall's tau	V: -۰/۳۷	Sig: ۰/۰۰۰	۳۸۴
		Somers d	V: -۰/۴۹	Sig: ۰/۰۰۰	

بنابراین، با توجه به مندرجات جدول ۷، کلی، فرضیه‌های جزئی پژوهش در تحلیل دو متغیره تأیید شده‌اند.

تحلیل چندمتغیره و آزمون فرضیه‌های جزئی پژوهش در گام دوم

برای تحلیل چندمتغیره از شاخص‌های آماری ذیل استفاده می‌شود:

تحلیل و برازش نیکویی مدل از طریق رگرسیون چندمتغیره

به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان، ابتدا باید متغیرهایی که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند؛ مشخص کرد. به همین سبب تمامی متغیرهای مستقل پژوهش به روش Stepwise انتخاب می‌شوند و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، استفاده خواهند شد. جدول ۸ مدل رگرسیونی چندمتغیره مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می‌دهد. همچنین جدول ۹ شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان را مشخص می‌کند:

جدول ۸. مدل رگرسیونی چندمتغیره مشارکت اجتماعی جوانان

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
متغیرها	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب خطای استاندارد	مقدار t	سطح معناداری t	
	B	Beta			
احساس از خودبیگانگی	-۰/۵۹۲	۰/۰۶۶	-۰/۳۹۵	-۸/۹۲۵	۰/۰۰۰
احساس بی‌هنجاری اجتماعی	-۰/۱۲۵	۰/۰۲۸	-۰/۱۶۴	-۴/۴۰۱	۰/۰۰۰
بیگانگی اجتماعی-سیاسی	-۰/۱۸۰	۰/۰۶۶	-۰/۱۴۵	-۳/۰۴۳	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ (Constant)	۱/۹۶۱	۰/۲۶۶	-	-۷/۳۷۵	۰/۰۰۰

جدول ۹. شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان

Method : Stepwise	روش ورود متغیرها: روش گام‌به‌گام
M.R = ۰/۶۹	ضریب همبستگی چندگانه
R ^۲ = ۰/۴۱	ضریب تعیین
R ^۲ = .adj ۰/۴۰	ضریب تعیین واقعی
S.E = ۰/۵۰۷	انحراف یا خطای معیار
ANOVA = ۴۱/۱۱۸	تحلیل واریانس
Sig = ۰/۰۰۰	سطح معناداری F

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای مذکور را می‌توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت:

$$E + 69 + (0/31) + (\text{بیگانگی اجتماعی - سیاسی}) (0/14) + (\text{احساس بی‌هنجاری اجتماعی}) \\ Y = (-0/16) + (\text{احساس از خود بیگانگی}) (-0/39)$$

بر اساس معادله رگرسیونی فوق؛ نکات ذیل قابل توضیح است:

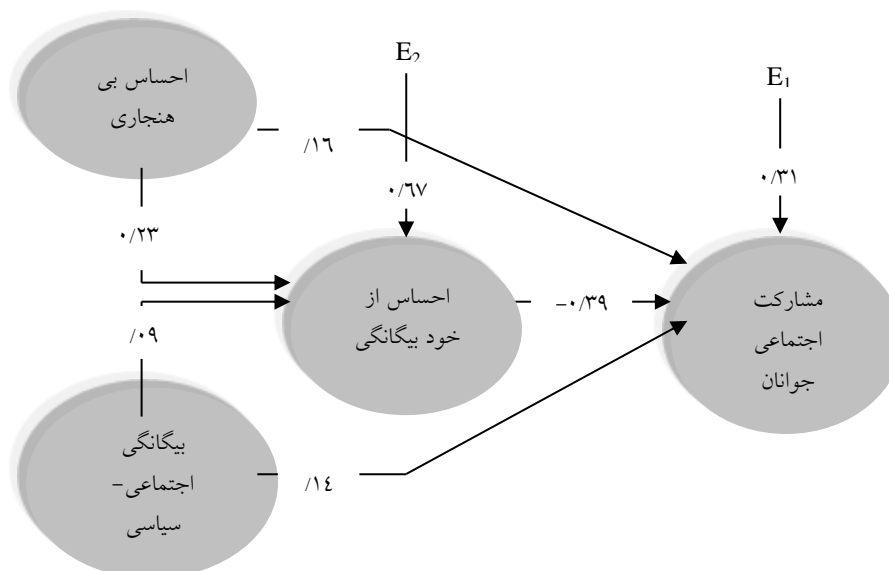
- احساس از خود بیگانگی به میزان ۰/۳۹- بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای آن است که به ازای هر واحد کاهش در میزان احساس از خود بیگانگی جوانان، ۰/۳۹ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می‌شود.

- بیگانگی اجتماعی- سیاسی به میزان ۰/۱۴- بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد کاهش در میزان بیگانگی اجتماعی- سیاسی جوانان، ۰/۱۴ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می‌شود.

- احساس بی‌هنجاری اجتماعی به میزان ۰/۱۶- بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای آن است که به ازای هر واحد کاهش در میزان احساس از خود بیگانگی جوانان، ۰/۱۶ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می‌شود.

تحلیل و برازش نیکویی مدل از طریق تحلیل مسیر

در این قسمت به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته با در نظر گرفتن تقدم و تأخر در میان آن‌ها از تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش Stepwise استفاده شده است، ابتدا متغیری را که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی بر متغیر وابسته دارد، جایگزین متغیر وابسته پژوهش، وارد مدل رگرسیونی می‌شود و سایر متغیرها برای تبیین آن وارد معادله رگرسیونی می‌شوند و سپس بعد از این متغیر، متغیرهای دیگری که بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته دوم، سوم و... دارند، وارد مدل رگرسیونی می‌شوند تا در نهایت یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته باقی بماند. پس از این مراحل؛ به منظور مشخص شدن تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و نیز تأثیرات کل متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان، ابتدا مدل علی (مسیر) ترسیم می‌شود. شکل ۲ مدل علی تحلیلی- تجربی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می‌دهد:



شکل ۲. مدل علی تحلیلی- تجربی عوامل نابهنجاری مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان

اکنون با در اختیار داشتن مدل علی می توان تأثیر مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان را به شرح جدول ۱۰ مشخص کرد:

جدول ۱۰. تأثیرات متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان

مشارکت اجتماعی جوانان			متغیرهای مستقل
تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	
-۰/۳۹	-	-۰/۳۹	احساس از خود بیگانگی
-۰/۲۳	-۰/۰۹	-۰/۱۴	احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی
-۰/۲۰	-۰/۰۴	-۰/۱۶	احساس نابهنجاری اجتماعی

بنابراین، با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحلیل چندمتغیره، کلیه فرضیه‌های جزئی پژوهش مبنی بر اینکه متغیرهای احساس از خود بیگانگی، بیگانگی اجتماعی-سیاسی و احساس نابهنجاری اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی تأثیر دارند، تأیید می‌شوند^۱.

۱. با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحلیل مسیر و تأثیر دو متغیر احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی و احساس نابهنجاری اجتماعی بر متغیر احساس از خود بیگانگی، فرضیه‌های ۴ و ۵ نیز تأیید می‌شوند.

بحث و نتیجه گیری

از دستاوردهای تئوریک پژوهش حاضر این است که یافته‌های این پژوهش با تئوری‌های استفاده‌شده همخوانی دارد و به لحاظ تجربی آنان را تقویت می‌کند؛ بدین ترتیب که: یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش میدانی بیانگر آن است که متغیر بیگانگی اجتماعی-سیاسی براساس تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متوسط است (جدول ۵). این امر وجود بیگانگی اجتماعی-سیاسی را در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متذکر می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دومتغیره (جدول ۸) و نیز تحلیل چندمتغیره (جدول‌های ۹ و ۱۰ و نیز شکل ۲) گویای معناداری رابطه متغیر بیگانگی اجتماعی-سیاسی با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بیگانگی اجتماعی-سیاسی یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان قلمداد می‌شود؛ چراکه کاهش بیگانگی اجتماعی-سیاسی؛ افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان را به دنبال دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های لیلا یزدان‌پناه (۱۳۸۲)، غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۰) و علی‌رضا محسنی تبریزی (۱۳۶۹ و ۱۳۸۳) و علی‌رضا دهقان و غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۴) همخوانی دارد؛ زیرا آنان نیز در مطالعات خود به نقش و تأثیر بیگانگی اجتماعی-سیاسی بر مشارکت اجتماعی دست یافتند. بنابراین، باید خاطر نشان ساخت که براساس نظریه انومی امیل دورکیم افراد مشارکت‌جو هیچ‌گونه انفکاک و جدایی را به لحاظ ذهنی و عینی با نظام اجتماعی و سیاسی جامعه خود ندارند؛ بلکه به‌عکس خود را عضوی از جامعه می‌دانند که می‌توانند تأثیرات مثبتی را در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه خود داشته باشند.

یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش میدانی بیانگر آن است که متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان براساس تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متوسط است (جدول ۵). این امر وجود شرایط انومیک دو جامعه و احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان را در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متذکر می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دومتغیره (جدول ۸) و نیز تحلیل چندمتغیره (جدول‌های ۹ و ۱۰ و نیز شکل ۲) گویای معناداری رابطه متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان قلمداد می‌شود؛ زیرا کاهش احساس بی‌هنجاری اجتماعی، افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان را به دنبال دارد. نتایج پژوهش

حاضر با نتایج پژوهش‌های لیلا یزدان‌پناه (۱۳۸۲)، میرطاهر موسوی (۱۳۹۱)، غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۰) و علی‌رضا محسنی تبریزی (۱۳۶۹ و ۱۳۸۳). همخوانی دارد، زیرا آنان نیز در مطالعات خود به نقش و تأثیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دست یافتند. بنابراین، باید خاطر نشان ساخت که براساس نظریه آنومی رابرت مرتن، افراد مشارکت‌جو میزانی از تطابق و هم‌نواپی با نظام اجتماعی و فرهنگی خود را دارند.

همچنین یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش میدانی بیانگر آن است که متغیر احساس از خودبیگانگی براساس تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متوسط است (جدول ۵). این امر وجود احساس از خودبیگانگی را در دو جامعه آماری مطالعه‌شده متذکر می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۸) و نیز تحلیل چندمتغیره (جدول‌های ۹ و ۱۰ و نیز شکل ۲) گویای معناداری رابطه متغیر احساس از خودبیگانگی با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که احساس از خودبیگانگی جوانان یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان قلمداد می‌شود؛ چراکه کاهش احساس از خودبیگانگی؛ افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان را به دنبال دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های نلسون و رایت (به نقل از دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، علی‌رضا محسنی تبریزی (۱۳۶۹ و ۱۳۸۳) و نیز میرطاهر موسوی (۱۳۹۱) همخوانی دارد، زیرا آنان نیز در مطالعات خود به نقش و تأثیر احساس از خودبیگانگی بر مشارکت اجتماعی دست یافتند. با این تفاوت که نلسون و رایت در پژوهش خود مفهوم قدرت و بی‌قدرتی را در ارتباط با مشارکت اجتماعی مطالعه و بررسی کردند و این مفهوم بنا به گفته ملوین سیمن یکی از پنج شاخص اساسی سنجش متغیر احساس از خودبیگانگی محسوب می‌شود.

بنابراین، میزان متغیرهای مستقل احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان، احساس بیگانگی اجتماعی-سیاسی جوانان و احساس از خودبیگانگی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان، شرایط آنومیک را در دو سطح فردی و اجتماعی گوشزد می‌کند. بنابراین، بجاست که از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران دو کشور اقداماتی به شرح زیر در جهت کاهش و کنترل شرایط آنومیک (ناپهنجاری) صورت گیرد:

- مقابله با فساد اداری و برخورد جدی با افرادی که قوانین و مقررات را نقض می‌کنند.
- برخورد جدی با افرادی که روابط را بر ضوابط در حل و فصل امور به کار می‌گیرند.
- مقابله با انتساب‌گرایی و توجه به شایسته‌سالاری در تفویض مشاغل به افراد و یا ارتقای شغلی در جامعه.

- برخورد جدی با افرادی که از راه‌های نامشروع کسب ثروت و یا منصبی کردند و به اصطلاح مرتونی در زمره نوآوران محسوب می‌شوند.

- برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های لازم از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران مربوطه به منظور انجام اقدامات پیشگیرانه و مداخلاتی برای مقابله با انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه که به اصطلاح مرتونی گروه واگرایان و مطرودین اجتماع با آن مواجهه‌اند.

- باید تدابیری اندیشید تا انتظارات فزاینده جوانان کاهش یابد. مکانیسم‌های جامعه‌پذیری به‌خصوص نهاد آموزش و رسانه‌های گروهی نقش مهمی را می‌توانند در این زمینه ایفا کنند. بدین ترتیب که نحوه آموزش، تدوین برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی و محتوای نوشته‌های رسانه‌های چاپی به گونه‌ای نباشد که انتظارات ارزشی را خلق سازند که افراد جامعه و به‌خصوص نسل جوان توانایی‌های لازم برای دسترسی به آن انتظارات ارزشی را نداشته باشند.

- با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی یک اصل محوری در راه مشارکت اعضای یک جامعه برای دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. به همین منظور لازم است که علاوه بر ایجاد و گسترده ساختن زمینه‌ها و بسترهای تعاملات و پیوند اجتماعی برای افراد جامعه و به‌خصوص نسل جوان، بر روی دو رکن اساسی و مهم سرمایه اجتماعی که اعتماد و مشارکت اجتماعی هستند توجه ویژه‌ای از سوی مسئولان ذی‌ربط در دو کشور ایران و تاجیکستان صورت گیرد.

منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۷)؛ مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، مترجم: باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)؛ توسعه پایدار روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳. امیرانی محمد مهدی (۱۳۸۰)، «بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی»، مجله جهاد، سال ۱۰، شماره ۲۱۴ و ۲۱۵.
۴. اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)؛ رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، مترجم: منصور محمودنژاد، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
۵. توسلی، علام‌عباس (۱۳۷۴)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
۶. حامدمقدم، احمد (۱۳۷۳)؛ مشارکت و توسعه مشارکت روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
۷. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)؛ بررسی اثر شکل‌های صنفی بر میزان مشارکت اجتماعی، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه، دانشکده علوم اجتماعی.

۸. ریتزر، جورج (۱۳۸۴)؛ نظریه‌های اجتماعی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی. چاپ پنجم.
۹. دهقان، علی‌رضا و غفاری، غلام‌رضا (۱۳۸۴)؛ «تبیین مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
۱۰. غفاری، غلام‌رضا (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان‌یافته به عنوان مکانیسمی برای توسعه روستایی در ایران، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.
۱۱. غفاری، غلام‌رضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶)؛ جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، انتشارات نزدیک، چاپ اول.
۱۲. ساروخانی، باقر و امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵)؛ «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳.
۱۳. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)؛ روانشناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ پنجم.
۱۴. کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸)؛ نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران، انتشارات نی.
۱۵. کرایب، یان (۱۳۸۲)؛ نظریه اجتماعی کلاسیک، مترجم: شهناز مسمی‌پرست، تهران، انتشارات آگه، چاپ اول.
۱۶. کائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه، مترجم: هادی غبرایی و دیگران، تهران، انتشارات روش.
۱۷. کیویتسو، پیتر (۱۳۸۳)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات آگه، چاپ اول.
۱۸. محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۷۰)؛ «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، شماره دوم، صص ۲۵-۷۳.
۱۹. محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۳)؛ وندالیسم، تهران، انتشارات آن، چاپ اول.
۲۰. محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۶۹)؛ بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
۲۱. موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱)؛ درآمدی بر مشارکت اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
۲۲. یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۲)؛ بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالا مناطق ۲۲ گانه تهران، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علامه، دانشکده علوم اجتماعی.

23. Mendenhall, L. A. & J. E. Reinmuth & R. Beaver (1989), Statistics for Management and economic, Boston, PWS-KENT publishing company.
24. Jonson, Frank (1973), Alienation: Concept, Term and Meanings – New York: Seminar Pres.
25. Johnson, Frank (1975) Psychological Alienation: Isolation and Self-Estrangement Psychoanalytic Review 62:3 Pg 369.
26. Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. A.S.R.
27. -Schwartz, David (2007) Political Alienation and Political Behavior Transaction Publishers.
28. -Schwartz, David (1973). Political alienation and political behavior. Chicago; Aldine